



A Reflection on the Components of Islamic Governance in the Thought of Ayatollah Taleghani: Based on Spragens's Theory

Tahereh Sadat Sadati Nasr Abadi

PhD student in Quran and Hadith Sciences, Department of Theology, Islamic Education and Philosophy, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, I.R.Iran

Email: taherehsadat110@gmail.com

Seyed Mojtaba Mirdamadi

Associate Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, I.R.Iran (Corresponding Author)

Email: mirdamadi.77@ut.ac.ir

Mohammad Safehian

Assistant Professor, Department of Islamic Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, I.R.Iran

Email: m_safehian@azad.ac.ir



Citation

Sadati Nasr Abadi, T. S & Mirdamadi, S. M & Safehian, M (2024). (A Reflection on the Components of Islamic Governance in the Thought of Ayatollah Taleghani: Based on Spragens's Theory, *Aeine Hokmrani*, 2 (4). 277-301
 [10.22034/ah.2025.2059127.1038](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2059127.1038)

Type of Article: Reserch Article

Received: 28 July 2024

Revised: 26 October 2024

Accepted: 12 December 2024

Publish Online: 21 December 2024

Abstract

The subject of governance, despite the novelty of this term in contemporary literature and its broad scope in managing human society, has historically been one of the most important socio-political issues in human communities, particularly regarding the methods of ruling. Thinkers—from ancient Greece to the present—have consistently presented their theories on optimal governance through various approaches. With the advent of Islam and the establishment of the Prophetic government in Medina, a distinct model of governance was introduced. Following the Prophet's passing and under the rule of various Umayyad and Abbasid caliphs, the concept of Islamic governance gradually emerged, distinguished from other forms of governance throughout history. yatollah Taleghani, a contemporary thinker and one of the prominent figures of religious reform in Iran, has proposed a new model for Islamic governance based on a Quranic perspective. The main research question of this study concerns Ayatollah Taleghani's vision and ideas for optimal Islamic governance. The research employs a descriptive-analytical method and draws on Thomas Spragens's theoretical framework. In analyzing and examining Ayatollah Taleghani's thoughts, the study follows a four-step approach. According to the hypothesis of this article, the most pivotal component of optimal Islamic governance, based on Quranic teachings and the Prophetic tradition, is the design of governance on the basis of Consultative Principles (Shura). This has been identified as the most significant finding of the study, offering a scientific framework for overcoming the current situation and achieving the ideal state in Islamic governance.

Keywords

Governance, Islamic Governance, Optimal Governance, Consultative Principles (Shura), Ayatollah Taleghani, Spragens





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دوفصلنامه علمی پژوهشی در حوزه حکمرانی اسلامی
سال دوم/ شماره ۴/ پاییز و زمستان ۱۴۰۳
ISSN: 2980-7880
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

طاهره سادات ساداتی نصرآبادی ^{ID}

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات، معارف و فلسفه اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران

Email: taherehsadat110@gmail.com

سیدمجتبی میردامادی ^{ID}

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

Email: mirdamadi.77@ut.ac.ir

محمد صافحیان ^{ID}

استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران

Email: m.safehian@azad.ac.ir



استناد به این مقاله:

ساداتی نصرآبادی، طاهره سادات؛ میردامادی، سیدمجتبی و صافحیان، محمد (۱۴۰۳). تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز. نشریه آیین حکمرانی، ۲ (۴). ۲۷۷-۳۰۱

doi: [10.22034/ah.2025.2059127.1038](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2059127.1038)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

موضوع حکمرانی، به‌رغم جدیدبودن این اصطلاح در ادبیات امروزی و حوزه گسترده آن در اداره اجتماع انسانی، در بخش مربوط به شیوه حکومت‌کردن، یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی سیاسی جوامع بشری در بستر تاریخ بوده است و اندیشمندان - از یونان باستان تا به امروز - همواره با رویکردهای مختلف، نظریات خود را برای حکمرانی مطلوب مطرح کرده‌اند. در این میان با ظهور اسلام و تشکیل حکومت نبوی در مدینه، الگوی متفاوتی نسبت به مسئله حکمرانی مطرح شده و با استمرار آن پس از رحلت پیامبر اسلام و حاکمیت خلفای مختلف اموی و عباسی و بعد از آنان، به‌تدریج مفهوم حکمرانی اسلامی، متمایز از سایر انواع حکمرانی‌ها در طول تاریخ معنا یافته است. آیت‌الله طالقانی، یکی از اندیشمندان معاصر و از چهره‌های برجسته نواندیشی دینی در ایران است که با نگاهی قرآنی، الگوی جدیدی برای حکمرانی اسلامی مطرح کرده است. پرسش اصلی این پژوهش، پرسش از طرح و ایده آیت‌الله طالقانی برای حکمرانی مطلوب اسلامی است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و از چهارچوب نظری توماس اسپریگنز الهام گرفته و در تحلیل و بررسی اندیشه‌های آیت‌الله طالقانی، چهارگام را مطالعه کرده است. بر اساس فرضیه این مقاله، محوری‌ترین مؤلفه در حکمرانی مطلوب اسلامی، بااستناد به آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی، طراحی حکمرانی بر اساس شورآرایی است که به‌عنوان مهم‌ترین یافته تحقیق در این مقاله موردتوجه قرار گرفته است که طرحی علمی برای رهایی از وضع موجود و نیل به وضع مطلوب در حکمرانی اسلامی است.

واژگان کلیدی

حکمرانی، حکمرانی اسلامی، حکمرانی مطلوب، شورآرایی، آیت‌الله طالقانی، اسپریگنز.



موضوع حکمرانی مطلوب اسلامی، یکی از مهم‌ترین مباحث در اندیشه سیاسی اسلامی است که اندیشمندان جهان اسلام، در بین مباحث خود، همواره در تلاش برای ارائه نظریه‌ای برآمده از قرآن و سیره نبوی در این راستا بوده‌اند. در میان منظومه فکری و اندیشه‌ای آیت‌الله طالقانی، موضوع حکمرانی مطلوب اسلامی، یکی از موضوعات اصلی است که با توجه به اهمیت بحث حکمرانی در حوزه مسائل سیاسی - اجتماعی، استخراج اندیشه ایشان می‌تواند در ترسیم نظریه مطلوب اسلامی راهگشا باشد. امروزه حکمرانی به معنای فرایندی است که به واسطه آن، مؤسسات دولتی به اداره امور عمومی می‌پردازند، منابع عمومی را مدیریت کرده و از حقوق افراد جامعه حمایت می‌کنند. ظهور مفاهیمی از جمله حکمرانی خوب، بیانگر نقش در حال تغییر حکومت‌ها در اداره جوامع و تغییر نگرش نسبت به کارکرد حکومت در جهان امروز است. مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، توجه به آرای عمومی و توافق جمعی، برابری، اثربخشی و کارایی و چشم‌انداز راهبردی را از ویژگی‌های حکمرانی خوب می‌دانند (میدری، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴). از این رو مفهوم حکمرانی (Governance)، گسترده‌تر از حکومت (Government) است. حکومت به طور مشخص با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن سروکار دارد. آنچه در این مقاله به عنوان نکته محوری مورد کنکاش است، حکمرانی اسلامی با رویکرد سیاسی است. در حکمرانی برخلاف حکومت، همه امور از بالا به پایین تنظیم نمی‌شود و چنین نیست که سررشته امور به طور مطلق، در دست حکومت باشد. در نگرش اسلامی، افزون‌بر پذیرش این نکته، با توجه به رابطه محبت‌آمیزی که میان مردم و حکمرانان به وجود می‌آید، در فرایند تصمیم‌گیری، رابطه‌ای تعاملی و رفت‌وبرگشتی در جامعه شکل می‌گیرد. در نگرش اسلامی، حکمرانی از نگرش مادی گذر می‌کند و به معنای واقعی کلمه می‌کوشد تا مردم در روند امور سیاسی - اجتماعی نقش بازی کنند و با مشارکت فعالانه درکنار رهبران و کارگزاران، جامعه را به سوی سعادت حرکت دهند و احساس مسئولیت داشته باشند. در این

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

نوع حکمرانی، بر اصول و آموزه‌های بنیادینی چون رابطه محبت‌آمیز، مشارکت پویای شهروندان، نظارت فراگیر و همگانی باتوجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل شفافیت، پاسخگویی و پاسخ‌جویی از مسئولان پافشاری می‌شود. در این نگره می‌توان گفت حکمرانی، فرایندی تعاملی، مشارکتی، گفت‌وگویی و مسئولیت‌پذیرانه میان کارگزاران حکومتی، شهروندان و جامعه مدنی است که به تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های دقیق و سنجیده می‌انجامد و قوانین و رفتارها، بر اساس آن شکل می‌گیرد (برای مطالعه بیشتر ن. ک به: سیدباقری، ۱۴۰۱). دیدگاه‌های آیت‌الله طالقانی در بحث حکمرانی مطلوب مبتنی بر آیات قرآن، نیازی بود که بسیاری از انقلابیون و دغدغه‌مندان مبارزه با رژیم پهلوی از آن استقبال می‌کردند و امروزه نیز بازشناسی این دیدگاه و بازنمایی آن، به‌عنوان یک نظریه سیاسی دینی می‌تواند در تکمیل و بازسازی موضوع حکمرانی برای شرایط امروز جامعه ایران، بعد از گذشت چندین دهه حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گیرد. پرسش اصلی این پژوهش، این است که آیت‌الله طالقانی در طول سال‌های متمادی تلاش علمی و دینی و مبارزاتی خود، چه طرح و ایده‌ای برای حکمرانی مطلوب اسلامی ارائه کرده است. باتوجه به جایگاه آیت‌الله طالقانی و نقش برجسته ایشان در هدایت نسل جوان از دهه ۳۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی و ابتدای مباحث ایشان به قرآن و تفسیر قرآن کریم در سخنرانی‌ها، شناخت این دیدگاه‌ها می‌تواند در بازسازی اندیشه دینی در دوران معاصر بسیار حائز اهمیت باشد. فرضیه مقاله پیش رو با الهام از چهارچوب نظری اسپریگنز و تحلیل گام‌های چهارگانه وی، نشان می‌دهد که محوری‌ترین مؤلفه در حکمرانی مطلوب اسلامی با استناد به آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی، طراحی حکمرانی بر اساس شورآگرایی است و مباحث دیگر ایشان به ترسیم وضعیت موجود، آسیب‌شناسی و عوامل کمک‌کننده به عملیاتی شدن این ایده کمک کرده است.

۱. نقش سیاسی - اجتماعی آیت‌الله طالقانی در دوران معاصر

آیت‌الله طالقانی، یکی از شخصیت‌های برجسته نواندیشی دینی در دوران معاصر است

که در دوران معاصر، نقش غیرقابل انکاری در فعال کردن روشنفکری دینی و شکل‌گیری جریان‌های سیاسی ایران داشته است. مقبولیت فراگیر این شخصیت در میان جریان‌های مختلف سیاسی و فکری و مبارزات سیاسی او در رویارویی با استبداد دوران پهلوی، در قالب جریان‌های ملی - مذهبی و سپس در سال‌های بعد از دهه چهل، همراهی با جریان انقلاب اسلامی و حرکت امام خمینی علیه السلام، وی را به شخصیتی با ضریب نفوذ بالا در سطح رهبری اجتماعی، در میان خواص و عوام جامعه ایرانی تبدیل کرده و وی را به‌عنوان یک الگوی برجسته از رهبران سیاسی و دینی شناساند. آثار قلمی و سخنرانی‌های ایشان، به‌ویژه تفسیرهای سیاسی - اجتماعی ایشان از آیات قرآن، در شکل‌دادن و نظریه‌پردازی اسلام سیاسی، بسیار مؤثر بود و افق‌های جدیدی برای جریان‌های نواندیش و تحول‌گرای ملی و مذهبی، به‌همراه داشت. آیت‌الله طالقانی، سلوک خاصی در تبیین اسلام سیاسی و توصیف مسیر مبارزه داشت که جدای از نگاه‌های ایجابی و سلبی به آن، مختص او بود. مشی سیاسی - اجتماعی او، حول «جذب حداکثری» و ارتباط فعال با بدنه مذهبی و جامعه روشنفکری با گرایش چپ و راست بود. کسوت روحانیت برای او، نوعی پدری جامعه بود و به‌این‌جهت عنوان «پدر طالقانی» از سوی تشکیلات و گروه‌های چپ و راست برای او برگزیده شده بود. درعین‌این‌رو یکدگر جذبی، به‌قدر وسع خود کوشید مرزبندی نظری و ایدئولوژیک خود را با انحراف عقیدتی برخی از چهره‌ها، جریان‌ها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی حفظ کند که نمونه بارز آن، در ماجرای تغییر ایدئولوژی «سازمان مجاهدین خلق» بروز یافت. وی علاوه‌بر چهره سیاسی و انقلابی‌ای که داشت، از لحاظ اندیشه‌ای شخصیتی ممتاز و منحصر‌به‌فرد بوده و با اقدامات خود، پیشگام و طلایه‌دار راهی بود که دیگر بزرگان به او تأسی کرده و در راهنمایی نسل جوان نسبت به حقایق اسلامی و تعالیم برآمده از قرآن، راهگشا بودند. شهید مطهری علیه السلام در عظمت و اهمیت تلاش‌های آیت‌الله طالقانی، باور داشتند که «پایه‌گذار آشنایی نسل جوان با اسلام، نه من هستم و نه شریعتی، بلکه طالقانی و بزرگان این راه را باز کردند و ما بعدها، به‌دنبال آنان حرکت کردیم» (غنی، ۱۳۵۹، ص ۱۸). برجسته‌ترین اقدام ایشان در دوران معاصر، ارائه تفسیر قرآن با رویکرد سیاسی - اجتماعی بود. آیت‌الله طالقانی، از همان آغاز زندگی فرهنگی و

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

اجتماعی خویش، قرآن را به‌عنوان یک کتاب راهنمای عمل، به صحنه زندگی آورد و راه‌حل همه مشکلات اجتماع را در آن می‌دید. در میان آثار ایشان، دو اثر بسیار مورد توجه قرار گرفت و مبنای طرح مباحث مختلف سیاسی - اجتماعی در جامعه شد.

اول کتاب *پرتوی از قرآن* (تفسیری ۶ جلدی از قرآن کریم که بیشتر به تفسیر سوره‌های ابتدایی قرآن کریم و برخی از سوره‌های جزء ۳۰ اختصاص دارد که بیشتر آن در دوران دستگیری و زندانی شدن ایشان نگارش شده است).

دوم کتاب *اسلام و مالکیت* که ابتدا به‌صورت مقاله در مجله «فروغ علم» در سال ۱۳۲۹ منتشر شد و جزء اولین متون حوزه مطالعات اسلامی اقتصاد بود و مورد توجه بسیاری از نواندیشان دینی قرار گرفت.

در نگاه آیت‌الله طالقانی در کتاب *اسلام و مالکیت*، عموم نظریه‌پردازان اجتماعی توجه نکرده‌اند که چگونگی وضع اجتماعی و اقتصادی، نتیجه اعمال و رفتار افراد و طبقات اجتماع است و به تبع اعمال و رفتار از آثار نفسی و اخلاقی است و به این جهت نمی‌توان ظواهر زندگی را از باطن و نفسانیات جدا دانست. از این رو ایشان بر این باور است که هر نظریه یا قانونی تا متکی به اخلاقیات و ارزش‌ها نباشد، ثبات و بقایی ندارد. اسلام ناظر بر این واقعیت است که سرچشمه ظواهر و پدیده‌های اجتماع و اقتصاد، نفوس بشری است. نفوس بشری، ترکیبی از اخلاقیات، فطریات و غرائز است و به همین سبب چگونگی روابط اجتماعی، اقتصادی و طبقاتی ترکیبی از همین نفسانیات انسانی است. بنابراین در نگاه آیت‌الله طالقانی، نهضت انبیای الهی، مشکل بشریت را در خلال کیفیت روابط اجتماعی و اقتصادی جست‌وجو نمی‌کند و در ابتدای دعوت خود، اصول و برنامه‌های این سنخ را بیان نمی‌کند، بلکه پیامبران الهی در پرتو الهام و وحی، نخست به وضع پیچیده نفوس بشری و مشکل درونی او نگریسته‌اند. در واقع اولین مشکل بشر برای تحقق یک مجتمع عادلانه، نبود اصول و قوانین اجتماعی و اقتصادی نیست. هر چه این قوانین، ناظر به حق و عدل باشد، اگر با ایمان، مسئولیت، تعهد و حق پیوند نداشته باشد تا سبب پیوند افراد اجتماع با یکدیگر شود، اثری نخواهد داشت (طالقانی، ۱۳۴۴، ص ۱۳۰).

۲. بررسی دیدگاه آیت‌الله طالقانی در مسئله حکمرانی اسلامی با استفاده از چهارچوب تحلیلی اسپریگنز

امروزه در تحقیقات علوم انسانی، استفاده از چهارچوب اسپریگنز، پرکاربرد است و اغلب در تحقیقاتی که به دنبال یافتن ارتباط و الگو در مفاهیم، کشف ساختار و نظم فکری، درک منظور و نیت افراد، گروه‌ها و همچنین فهم تفاوت متون مختلف نویسندگان هستند، از آن استفاده می‌شود. استفاده از چهارچوب تحلیلی اسپریگنز به ما این امکان را خواهد داد که به حقیقت موجود در اندیشه، افکار و عقاید یک اندیشمند به صورت نظام‌مند پی ببریم. برای شناخت اندیشه هر متفکری، نیازمند توجه به دو مسئله هستیم: اول اینکه متفکر و اندیشمند در طرح مباحث خود، چه معنایی در ذهن خود دارد که با مطالعه کتب و سخنرانی‌ها، می‌توان به آن دست یافت؛ دوم اینکه مقصود اندیشمند از نوشتن آثار و بیان سخنرانی‌هایش چه بوده و چه الگویی را ترسیم کرده است؟ توجه به چهارچوب نظری توماس اسپریگنز این مسیر را بهتر و منظم‌تر در اختیار ما می‌گذارد. اسپریگنز برای فهم اندیشه سیاسی، چهار گام را ذکر می‌کند (ن.ک به: اسپریگنز، ۱۳۹۵):

۱. مشاهده و شناسایی معضلات و مشکلات؛

۲. تحلیل و جست‌وجو در خصوص علل بحران؛

۳. بازسازی آرمانی جامعه سیاسی؛

۴. ارائه درمان.

این پژوهش با الهام از چهارچوب نظری اسپریگنز، به استخراج اندیشه آیت‌الله طالقانی در بحث حکمرانی اسلامی در چهار گام پرداخته است:

۲-۱. گام اول. دیدگاه آیت‌الله طالقانی در تحلیل وضعیت «حکمرانی» در میان مسلمانان

از دیدگاه آیت‌الله طالقانی به دلیل حاکمیت طاغوت‌ها، جوامع اسلامی از احوال خود دچار غفلت شده‌اند. بر همین اساس ایشان باور داشتند: «اگر سلطه ظلمات انگیز طاغوت‌ها مجالی دهد تا چشم‌هایی باز و اصول و برنامه‌هایی نشان داده شوند، می‌توان

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

خصلت خودپرستی و سودجویی را از قلوب مردم ریشه‌کن ساخت و اگر با تکامل و تعلیم و تربیت عادی مردم فرشته‌خوی شدند و از خودبینی و به خودگرایی سر بیرون آوردند و در سایه همزیستی و همدلانه حکومت جهانی درآمدند و صف‌بندی و جنگ را متوقف کردند، آیا حرکت و تکامل متوقف نمی‌شود؟ آیا برای از میان برداشتن این موانع و مشکلات، اصول و راهی جز ایمان و گرایش به مبدأ کمال، می‌توان تصویر نمود تا هم مردم را روشن و تزکیه نمایند و هم راه تکامل بدون جنگ را به سوی کمال و نور باز نمایند؟» (طالقانی ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۱۲).

آیت‌الله طالقانی درباره وضع موجود ایران و مهم‌ترین مسائل در دوران زندگی خود، مطالب ذیل را به‌عنوان مهم‌ترین موضوعات مطرح کرده است:

مسئله حکومت استبدادی و طاغوتی، یکی از معضلاتی بود که آیت‌الله طالقانی به آن پرداخته است. به نظر ایشان یکی از مشکلات جامعه ایران، طاغوت‌زدگی است. در مقدمه تبییه‌الأمه - اثر مشهور مرحوم آیت‌الله نائینی رحمته‌الله علیه - آمده است: «از آن روزی که اینجانب در این اجتماع چشم گشودم، مردم این سرزمین را زیر تازیانه و چکمه خودخواهان دیدم. هر شامگاهان در خانه منتظر خبری بودیم که امروز چه حوادث تازه‌ای رخ داده و کی دستگیر و تبعید یا کشته شده یا چه تصمیمی درباره مردم گرفته‌اند؟» (نائینی، ۱۳۵۸، ص ۴).

موضوع دیگری که آیت‌الله طالقانی آن را به‌عنوان یک برداشت غلط از آموزه‌های اسلامی مطرح کرد، مسئله تقدیرگرایی و برداشت غلط از مفهوم قضا و قدر است: «به نظر طالقانی، در فرهنگ عامه مردم این‌گونه مطرح و شایع شده است که بدبختی و خوشبختی هر جامعه‌ای، از قبل از طرف خداوند مشخص و معین شده است و از قبل خداوند افرادی را ارباب آفریده و بقیه مردم را رعیت و خدمتگزار این اربابان قرار داده است. طالقانی ضمن نفی و نقد این‌گونه طرز تلقی و فرهنگ سیاسی، درصدد است تا سنت‌ها و قوانین الهی مطرح در عالم هستی و شریعت را شناسایی و برای مردم جامعه معرفی کند و این نکته را تبیین نماید که سرنوشت انسان‌ها در دست خودشان است» (خان‌محمدی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۸-۲۳۹).

اختلافات مذهبی و فرقه‌ای در ایران و جهان اسلام و اختلافات بین روشنفکران و

مذهبی‌ها و روحانیت و طبقات مختلف اجتماعی، یکی دیگر از مسائلی است که آیت‌الله طالقانی، در بحث شناسایی و شناخت وضع فعلی مسلمانان در ایران به آن توجه ویژه دارد و باور داشت که سبب از بین رفتن فرصت‌ها و موقعیت‌ها می‌شود.

از دیگر موضوعات مطرح‌شده در آثار آیت‌الله طالقانی پرداختن به مسئله قسط و عدل و اوضاع نابسامان جامعه ایرانی است. او بر این باور بود که قرآن کریم، هدف بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل معرفی کرده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). اقامه قسط و عدل، مبنای پایه‌گذاری جامعه سالم و تکمیل رسالت به‌شمار می‌آید (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۶، ۲۴۱).

ایشان یکی دیگر از معضلات اساسی جامعه ایران را گسترش افکار جدید مانند مارکسیسم و لیبرالیسم می‌داند و می‌کوشید با نقد آن افکار، نسل جوان را نسبت به انحرافات این مکاتب بشری آگاه کند. از نگاه ایشان، این مکاتب‌ها به برخی از نیازهای عالی انسان توجه نکرده‌اند؛ در نتیجه ناقص هستند و تنها مکتب کامل، مکتب اسلام است. وی در یک ارزیابی کلی، موضع خود در برابر لیبرالیسم و سوسیالیسم را چنین معرفی می‌کند:

هر مسلک و طرح و مرام اجتماعی که خودسران را محدود نماید و جلوی اراده آنان را بگیرد، قدمی به هدف پیغمبران و اسلام نزدیک‌تر است، ولی مقصود و نظر نهایی اسلام نیست. مشروطیت و دموکراسی و سوسیالیسم همه اینها به معنای درست و حقیقی خود گام‌هایی پی‌درپی است که به نظر نهایی نزدیک می‌نماید (همو، ۱۳۵۹، ص ۱۹۴).

در جمع‌بندی دیدگاه آیت‌الله طالقانی در تحلیل وضع موجود، مسئله استبدادزدگی و حاکمیت طاغوت، مهم‌ترین مشخصه جوامع اسلامی و مسئله ایران است. اوضاع نابسامان و فقدان عدالت، از نتایج همین شیوه حکمرانی است. به نظر می‌رسد از دیدگاه ایشان، موضوعات دیگری مانند برداشت و فهم غلط نسبت به مفهوم قضا و قدر و اختلافات مذهبی و فرقه‌ای، عامل مهمی در عدم اقدام برای رهایی از این وضعیت است و مادامی که جوامع اسلامی این مسائل را اصلاح نکنند و به وحدت نرسند و از اختلافات داخلی خود دست برندارند، تحولی اتفاق نخواهد افتاد. همچنین گرفتارشدن در دام اندیشه‌های انحرافی و دل‌بستن به ایدئولوژی شرقی و غربی به جای الهام‌گرفتن از

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

اندیشه‌های ناب اسلامی، موضوعی است که وی در ترسیم وضع موجود جوامع اسلامی، به خوبی مورد توجه قرار داده است.

۲-۲. گام دوم. آسیب‌شناسی و علت بحران «حکمرانی» در جوامع اسلامی از منظر آیت‌الله طالقانی

آیت‌الله طالقانی در بحث آسیب‌شناسی جامعه ایران و جهان اسلام، به سه مسئله اساسی اشاره می‌کند: اولین مسئله، جهل ملت به وظایف و حقوق عمومی است. از نظر ایشان: «مردمی که گرفتار تاریکی جهل هستند، چاه و پرتگاه را راه و ذلت را عزت و ظلم را خدمت می‌پندارند و از اشباح و جماد و انسان می‌هراسند و آنها را به جای مبدأ لایزال قدرت، پرستش می‌کنند. دزدان و درندگان اعراض و نوامیس عمومی و رهزنان دین و شرافت هم در زیر پرده تاریک جهل عمومی در دل هراس ایجاد می‌کنند و با اشتباه‌کاری و دین‌سازی برای مردم به راه‌زنی و غارتگری می‌پردازند...». دومین مسئله، استبداد دینی است. از نگاه ایشان، از قوای پاسدار استبداد، شعبه استبداد دینی است. کار این شعبه این است که مطالب و سخنانی از دین یاد گرفته و ظاهر خود را آن‌طور که جالب عوام ساده باشد، می‌آرایند و مردمی را که از اصول و مبانی دین بی‌خبرند و به اساس دعوت پیامبران گرامی آشنایی ندارند، می‌فریبند و مطیع خود می‌سازند و با این روش فریبنده، به نام غمخواری دین و نگهداری آئین، ضل‌الشیطان را بر سر عموم می‌گسترانند و در زیر این سایه شوم جهل و ذلت مردم را نگه می‌دارند. مسئله سوم، اختلافات دینی و سیاسی و طبقاتی است که ایادی استبداد به وسیله آن، سلطه قاهرانه خود را نگه می‌دارند. این قوه منفی، گرچه از آثار و نتایج قوای دیگر استبداد است، ولی خود برای ابقا و دوام استبداد علت مؤثر می‌باشد و درجات تفرقه حزبی و دینی در میان هر ملت، میزان سنجش نفوذ استبداد است. به این جهت در زبان قرآن و اخبار، استبداد و انقراض ملل را مستند به همین دانسته است (نائینی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳، پاورقی).

در جمع‌بندی گام دوم در دیدگاه آیت‌الله طالقانی، علت‌العلل حاکمیت نامطلوب و حکمرانی طاغوت‌ها بر جوامع اسلامی و جامعه ایران، به جهالت مردم برمی‌گردد. به عبارتی

دیگر، طاغوت و حکومت طاغوتی در جامعه‌ای استمرار می‌یابد که مردم در جهل به‌سر می‌برند و به وظایف و حقوق خود واقف نیستند و حاکمان نیز از همین جهالت برای حکومت بر آنان استفاده می‌کنند. دو ابزار درکنار این جهالت عمومی، عناصر کارآمدی هستند که در مباحث آیت‌الله طالقانی به آن اشاره شده است: سوءاستفاده از دین برای متقاعدکردن مردم در پذیرش وضع موجود و فریب‌دادن مردم با ظاهرسازی اسلامی و خرج کردن از دین برای توجیه اقدامات، که وی از آن به استبداد دینی یاد می‌کند؛ مسئله دیگر سیاست قدیمی «تفرقه بینداز و حکومت کن» است که متأسفانه جوامع اسلامی به‌شدت به آن گرفتار شده‌اند و حاکمان مستبد با دمیدن در تنور آن، از امکان وحدت و هم‌گرایی برای اقدام علیه حکومت استبدادی، جلوگیری می‌کنند.

۲-۳. گام سوم. بازسازی نظری برای جامعه مطلوب و حکمرانی اسلامی از منظر آیت‌الله طالقانی

با مطالعه آثار آیت‌الله طالقانی، در ترسیم جامعه مطلوب و آرمانی، می‌توان به چهار مؤلفه بسیار مهم در اندیشه ایشان اشاره کرد:

۱-۲-۳. جاری‌بودن سنت‌های الهی در نظام هستی

سراسر قضایا و واقعه‌های تاریخی و برخوردهای حق و باطل که در قرآن آمده، بیان همین سنن است نه تاریخ‌نگاری و داستان‌سرایی درباره اشخاص. پس بیان سنن و امر به بررسی و نظر در آن و نکوهش از اعراض و نادیده‌گرفتن آن، بیش از هر مسئله و حکم فردی و اجتماعی، در قرآن بیان شده است. نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای همه مردم و کافران نیز در همان روزگاری که حوادث و اوضاع اجتماعی را یا معلول تصادفات می‌پنداشتند و یا آنها را مستند به اراده قاهر و مستبدانه خدا و یا خدایان می‌پنداشتند و از سنن و قوانین که خداوند در میان روابط اجتماع و پدیده‌ها و تحولات آن نهاده ناآگاه بودند، قرآن ارشاد به سنن را برای همه مردم تبیین کرد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۳۴۳).

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

۲-۳-۲. جامعه سیاسی توحیدی

آیت‌الله طالقانی برداشت جامعی از توحید دارد و باور او بر این است که اگر معنای توحید درست فهم شود و در تاروپود جامعه اسلامی کشیده شود، معضلات و مشکلات اجتماعی فرهنگی و سیاسی برطرف خواهد شد. وی درباره توحید می‌گوید:

این سرلوحه و نخستین دعوت پیامبران است؛ دیگر اصول اعتقادی و اخلاقی و شرایع و قوانین، شعاع‌ها و دوائر این نقطه مرکزی‌اند؛ این انقلاب فکری و اجتماعی انبیا است که از انقلاب و تحول درونی و باطنی بشر آغاز گردیده که همان برگشت جهت فکر است به سوی مبدأ و قدرت و حیات و هماهنگ‌سازی فطرت نآلوده انسان با نظام جهان، پایداری پیامبران برای ایجاد چنین انقلابی بود که یکسره وضع باطن و ظاهر زندگی واژگون بشر را برگرداند و مستقیم به سوی حق قرار داد. بدین جهت در هیچ حال و هیچ جا از اعلام این راز رستگاری کوتاه نیامدند (همو، ۱۳۳۹، ص ۳۸).

۲-۳-۳. تصویر جامعه سیاسی مطلوب و غیرمطلوب قرآنی

از دیدگاه آیت‌الله طالقانی، مشخصات جامعه مطلوب و سالم اسلامی، عبارت است از: حاکمیت قانون و شریعت اسلامی، هماهنگی، تعادل و تعامل اعضا و ارکان جامعه با یکدیگر، قرارگرفتن رهبری جامعه به دست فردی خردمند و رشیدیافته. در نقطه مقابل جامعه واژگون و جاهل جامعه‌ای است که فاسدترین، بی‌شرم‌ترین، بی‌حیاتی‌ترین و احمق‌ترین مردم در رأس آن باشد (خان‌محمدی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۹). ایشان برای تحقق جامعه مطلوب، لزوم انقلاب فکری در جامعه، رعایت تقوای فردی و اجتماعی را به‌عنوان یک مبنای اساسی مطرح می‌کند: امروز تمام دردها و رنج‌ها، ناشی از طرز فکر و تفکر بشر است و تازمانی که انقلاب و تحولی در عقل و فکر پیش نیاید، همه علاج‌ها سطحی و موقت است. نتیجه انقلاباتی که از فکر و عقل شروع نشود، از میان بردن طبقه یا فرد است و جایگزین کردن فرد و طبقه دیگر و از میان بردن ستمگرانی است و جایگزین کردن ستمگران تازه‌نفسی که با نام‌ها و عناوین دیگری، به حقوق خلق بتازند (طالقانی، ۱۳۳۹، ص ۵).

او در ترسیم رهبران منحرف از دیدگاه قرآن، به ویژگی‌های آنها اشاره می‌کند که از بارزترین آنها کینه ورزی، لجاجت، دروغ‌گویی، تکبر و مظلوم‌نمایی است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» (بقره: ۲۰۴). از نظر ایشان «این رهبران، لجوج‌ترین و کینه‌ورزترین افراد نسبت به خلق مردم هستند و تاوقتی سوار کار نشده‌اند، وعده‌های بسیار می‌دهند، وعده‌های آب و نان، مسکن و آسایش می‌دهند. درچنین محیطی، این انسان‌ها برای رسیدن به هدف، همه‌جور وسیله‌ای را توجیه می‌کنند، اما همین که عنان کار را در دست می‌گیرند، به‌هیچ‌چیز رحم نمی‌کنند» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۸). وی هشدار می‌دهد «چنین رهبران منحرفی، دین و انسانیت را ابزار قرار می‌دهند تا به قدرت و کامیابی برسند و بر مردم سیطره پیدا کنند. مردم باید آگاهانه این نوع افراد را با منطبق قرآن، شناسایی کرده و طرد نمایند» (همان). ایشان ویژگی‌های رهبر قرآنی را صالح و عادل بودن می‌داند: «آن کسی که عادل است، صالح است، رهبری اجتماع شایسته اوست» (همو، ۱۳۶۰، ص ۲۳).

۴-۳-۲. شوراگرایی

آیت‌الله طالقانی مبنای اداره جامعه اسلامی را بر اساس شورا طراحی می‌کند و این نظام اداره شورایی اسلامی را که از آیات قرآنی و سیره نبوی برای آن دلیل می‌آورد، از دموکراسی موجود در جهان برتر می‌داند و آن را عامل رشد استعدادها می‌داند:

برای همیشه شورا پایه اجتماع اسلامی است تا اندیشه‌ها و استعدادها بروز کند و هر صاحب رأیی خود را شریک در سرنوشت بداند و مسلمانان برای آینده و همیشه تربیت شوند و بتوانند در هر زمان و هر جا، بعد از غروب نبوت، خود را رهبری کنند. اگر در این راه و برای تحکیم شورا، هرچه زیان دهند، ارزش دارد تا با هر شکستی آرا، محکم‌تر و قدم‌ها ثابت‌تر شود و مانند بچه‌ای که به زمین افتد و صدمه ببیند و برخیزد تا به اندیشه و پای خود مستقیم و محکم گردد. شکست‌ها می‌گذرد، امت اسلامی باید به عالی‌ترین صورت باقی بماند (همو، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۳۹۵).

ایشان برای اثبات اهمیت شوراگرایی در حکمرانی اسلامی، بر این گفته خود شواهد

تاریخی هم می‌افزود:

همه از آثار شورا بود که مدینه را بی‌پناه گذاردند و برخلاف نظر شخص آن حضرت [رسول اکرم] به‌سوی دشمن پیش راندند. با همه اینها، باز اصل شورا را تحکیم می‌کند؛ چون پایه اجتماع اسلامی است برای همیشه. هر صاحب‌رأیی خود را شریک در سرنوشت بداند و

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

مسلمانان برای آینده و... تربیت شوند و بتوانند در هر زمان و هر جا، بعد از غروب نبوت، خود را رهبری کنند. اگر در این راه و برای... شورا هر چه زیان دهند ارزش دارد، تا با هر شکستی آرا محکم‌تر و قدم‌ها ثابت‌تر شود و مانند بچه که همی به زمین افتد و صدمه ببیند برخیزد، تا به اندیشه و پای خود مستقیم و محکم گردد (همان، ص ۲۹۵).

وی همواره نسبت به اجرای اصل مهم شورا و تشکیل شوراهای اسلامی در روستاها و بخش‌ها و شهرستان‌ها و استان‌ها دغدغه خاطر داشت و در هر مناسبتی به این مسئله می‌پرداخت. در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸، طرح پیشنهادی برای تشکیل شوراهای محل در چهار صفحه ارائه شد (همو، ۱۳۵۹، ص ۱۶۴-۱۶۷) و در آخرین نماز جمعه خود در بهشت زهرا، با تأکید فراوان گفت:

صدها بار من گفتم که مسئله شورا از اساس‌ترین مسائل اسلامی است؛ حتی به پیامبرش، با آن عظمت، می‌گوید: با مردم مشورت کن، به اینها شخصیت بده، بدانند که مسئولیت دارند و متکی به شخص رهبر نباشند (همو، ۱۴۰۰، ص ۶۳).

۵-۳-۲. جایگاه مردم در حکمرانی اسلامی

آیت‌الله طالقانی بر این باور است که مردم باید در فرایند حکمرانی مشارکت داشته باشند و نظارت عمومی بر حکومت وجود داشته باشد. در آثار و اندیشه‌های ایشان، اهتمام به رأی و نظر مردم بسیار برجسته است و مشروعیت هیچ حکم سیاسی در زمان حکومت غیر معصوم، پذیرفته نیست؛ مگر آنکه مبتنی بر شورا باشد. از این رو حکومت شورایی، حکومتی بر طبق نظر قرآن است که مردم هم در اداره نظام سیاسی و هم در شکل‌گیری آن، نقش اساسی داشته باشند و بتوانند بر عملکرد مسئولین نظارت کامل کنند. ایشان برای کنترل نظام، امر به معروف و نهی از منکر و عمل بر اساس قانون و انتخاب افراد صالح را مطرح می‌کند. وی برای حفظ نظام سیاسی مطلوب، سه راهکار ارائه کرده است: اولین و مهم‌ترین این راهکارها، امر به معروف و نهی از منکر است که پیوسته باید ادامه پیدا کند؛ دوم، انتخاب مسئولین توسط مردم؛ سوم اینکه حکومت باید بر اساس شورا و مشورت باشد. بر همین اساس وی اصرار دارد اگر عده‌ای را برای مجلس شورا و خبرگان انتخاب

کردید، خیال نکنید مسئولیت از شما رفع شده است؛ فرد فرد شما مسئولید. باید با تمام شور و چشم و کوشش تان مراقب اعمال اینها باشید. در دیدگاه وی، جریان قدرت در نظام عادلانه باید از پایین به بالا الهام بشود و نظام اجتماعی و رهبری را توده مردم باید انتخاب کنند (خان محمدی و جعفری، ۱۳۹۷، ص ۲۳-۴۲).

در مباحث آیت الله طالقانی، مسئله شوراکرایی بسیار برجسته است. ایشان دامنه شورا را بسیار گسترده می‌گیرد و باور دارد که در عصر غیبت، باید تمام امور سیاسی و اجتماعی براساس شورا شکل بگیرند، درغیراین صورت حکومت، فاقد مشروعیت است. اگرچه اکثر اندیشمندان شیعه و سنی مدافع ضرورت استفاده از مدل شورا در اداره جامعه، فقط به دو آیه معروف «وَتَشَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) و «وَأَقْرَبُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) در قرآن کریم استناد می‌کنند، اما وجه تمایز ایشان این است که برای دفاع از این مسئله، ضمن استناد به دو آیه یادشده، به آیه دیگری از قرآن اشاره می‌کند و اعتقاد دارد هر خانه‌ای باید مرکزی برای شورا باشد. هر دهکده و هر گروهی باید در کارشان یک شورایی داشته باشند: شما ملاحظه می‌کنید در قرآن درباره زندگی خانوادگی - یعنی «شیردادن بچه» که هیچ به چشم نمی‌آید و از نظر مردم، مسئله مهمی نیست - می‌گوید باید مشورت شود. بر اساس آیه قرآن کریم «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِرَ الرِّضَاعَةَ» (بقره: ۲۲۳)، مادرها برحسب وضع طبیعی، دو سال بچه‌شان را شیر بدهند، این دستور را می‌دهد. سپس در ادامه می‌فرماید: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (همان: ۲۳۳)، اگر بخواهند بچه را از شیر بگیرند، باید پدر و مادر راضی بشوند و مشورت کنند که صلاح بچه هست؟ صلاح مادر هست؟ یا از پزشک مخصوص‌شان استفاده کنند. وقتی قرآن در امر خانواده و شیردادن بچه می‌گوید، باید همراه با مشورت باشد؛ چه رسد به اداره یک دهکده! چه رسد به اداره یک روستا! چه رسد به اداره شهر یا کشور! همه باید از واحدهای شورایی استفاده کنند (طالقانی، ۱۳۶۰، ص ۱۵۸).

در جمع‌بندی گام سوم در دیدگاه آیت الله طالقانی، هرچند مسئله جاری‌بودن سنت‌های الهی و مسئله جریان‌یافتن توحید در تمام شؤون اجتماعی مطرح شده و حاکمیت فرزندانگان و

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

رهبران الهی بر جامعه مورد تأکید قرار گرفته است، اما نکته متمایز و محوری که در بازسازی جامعه مطلوب و شیوه حکمرانی اسلامی از نوآوری‌های وی به‌شمار می‌آید. از دیدگاه ایشان، طرح نظریه شورا به‌عنوان رکن اصلی حکمرانی اسلامی، بهترین راه مشارکت مردم در امر حکومت، رعایت اصل مهم قرآنی و اسلامی شورا است که این امر در سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ وجود داشته است. وی در پرتوی از قرآن، علاوه بر مباحث پیش‌گفته، دلیل مشورت‌کردن را چندین چیز ذکر می‌کند:

و جوب مشورت در امور و حوادث، به‌حسب نصوص آیات و سیره پیغمبر اکرم ﷺ، از امور مسلمه است. دلالت آیه یادشده «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» که پیغمبر مقدس و معصوم را بدان خطاب و مکلف نموده، پس واضح است، ضمیر جمع «هم» مرحله اولی همه مسلمانان است، ولی به‌حسب قرینه امکان و تناسب حکم با صاحبان رأی راجع به عقلاء اربابان است و «الامر» مقصود تمام کارهای اجتماعی و سیاسی است و چون قوانین از جانب خدا می‌باشد، از این حکم خارج می‌باشد و آیه «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» که جمله خبریه است، دلالت دارد بر اینکه وضع امور نوعیه در میان جامعه، این چنین است و روش پیغمبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علی ﷺ برای این بوده و اهمیت دادن شورا و دست‌زدادن به آن یا از جهت امکان اشتباه (حاشاهم) و یا برای تطهیر اجتماع و حکومت مسلمانان از تشبّه به حکومت‌های استبدادی تعلیم و تربیت امت بوده. به‌هر حال، از آن باید پیروی کرد ... (همو، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۹۷).

آیت‌الله طالقانی در پرتوی از قرآن، باز تأکید می‌کند که شورا و مشورت پیامبر ﷺ با مردم در امور اجرایی و مسائل حکومت است والا پیامبر ﷺ، بما هو رسول الله، درباره احکام و فرمان‌های الهی نیازمند مشورت نیست:

فرمان شورا (خطاب به پیامبر ﷺ) با آنان در امور اجرایی - نه احکام و فرامین الهی - است تا شخصیت بدانان دهی و شخصیت‌شان را بالا ببری و با خود همراز و همنشین گردانی و برای آنان احترام‌گذاری و در مسئولیت‌ها، در جنگ و صلح شرکت‌شان دهی (همان).

۲-۴. گام چهارم: راهکارهای آیت‌الله طالقانی برای گذار به حکمرانی مطلوب اسلامی

۲-۴-۱. وحدت‌گرایی در راستای ایجاد جامعه توحیدی

مسئله توحید، یکی از اساسی‌ترین موضوعات اسلامی است. آیت‌الله طالقانی باور داشت که باید توحید و مفهوم آن در بدنه اجتماع اسلامی جاری شود و از بحث‌های فلسفی و کلامی به صحنه اجتماع آورده شود. ایشان درباره جایگاه توحید در یکی از بیانات خود می‌گوید:

توحید تنها یک عقیده قلبی نیست که انسان را به سوی عبادت و معابد می‌کشاند و فقط در کارهای عبادی به کار آید و تنها یک مسئله فلسفی و کلامی نیست که با دلیل و برهان اثبات شود و به همین جا متوقف گردد، بلکه حقیقتی است که باید در فکر و عقل و عمل تحولی پدید آورد و جهت زندگی و وضع اجتماعی را برگرداند و بنای دیگر بر اساس حاکمیت خداوندی که همه جهان ظهور را اراده و حکومت مطلق اوست، برپا دارد و انسان را از ضیق دنیا برهاند و چشم انداز فکرش را وسیع و شخصیتش را مستقل گرداند (همو، ۱۳۷۸، ص ۴۰).

ایشان در مقدمه شرح بر *تبییه‌الامه* می‌نویسد:

آن عالم نورانی و محیط درخشنده‌ای که قرآن، انسان را به آن وارد می‌سازد، عالم توحید است؛ توحید ذات، توحید قدرت، توحید حیات، توحید قیومیت، توحید نظامات و روابط و قوانین جهان، توحید اراده، توحید فکر و اراده بشر، این محیط و مقصد از روشنایی و وضوح حقیقت و سرّش بر عموم مخفی و پوشیده است. احکام و اخلاق و اجتماعات که روابط و داستان‌های قرآن در درون و خلال و پوشیده از نور توحید است (نائینی، ۱۳۷۸، ص ۶).

آیت‌الله طالقانی در تفسیر آیه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران: ۶۴)، می‌گوید:

خطاب طنین‌افکن و محرکی است به عموم اهل کتاب: یهود و نصارا که آیینی مستند به وحی و نوشته دارند، یا هر درس‌خوانده و نویسنده که اندیشه و مکتبی دارد و عهده‌دار رهبری توده مردم است. اینها هستند که برهان و بیان روشنگر و محرک باید، در اندیشه و عقاید جامد و شرک‌زا شک آورند و از بستگی به بندهای بندگی آور رها شوند و آماده تعالی گردند تا مقلدین

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

چشم و گوش بسته و در بند اوهام و ارباب اسیر شده را آزاد کنند و عقده‌ها و تضادهای روحی‌شان را بگشایند و هماهنگ به‌سوی کلمه و شعاری یکسان و تبعیض‌ناپذیر بگرایند که کلمه متفق و منشأ اتفاق کلمه است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۷۶).

وی بحث توحید را در دو ساحت تکوینی و تشریحی، به زیبایی تبیین می‌کند و در کتاب

توحید از نظر اسلام، این دیدگاه به این صورت بیان شده است:

پس از آن توحید در فعل و اراده تکوینی است که جز او مؤثری در جهان و نظام آن ندارند «أَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»، یعنی به او هیچ‌گونه شرک نورزیم، سپس توحید در حاکمیت و اراده تشریحی است تا بعضی از مردم بر بعضی حاکم و ارباب نباشند؛ «وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»، یعنی هیچ‌کس حق ندارد اراده فردی خود را به‌عنوان حاکمیت یا به‌صورت قانون بر مردم تحمیل نماید (همو، ۱۳۵۸، ص ۳۰).

ایشان بر وحدت مسلمانان و پرهیز از تفرقه تأکید داشت و بر این باور بود که اختلافات مذهبی و سیاسی باید کنار گذاشته شوند تا مسلمانان بتوانند به‌عنوان یک نیروی واحد عمل کنند. وی تصمیم‌گیری همگانی و متحدانه را به داستان کبوتر طوقدار کللیه و دمنه تشبیه می‌کند:

مانند داستان کبوتر طوقدار چون دید کبوتران دوراندیشی و نصیحت او را نپذیرفتند و به هوای دانه به‌سوی دام فرود آمدند و گرفتار شدند، گفت بال‌پرزدن در میان طناب‌های دام جز افسردگی و به‌هم‌پیچیدگی و آنگاه افتادن به‌دست صیاد حاصلی ندارد، بایست سمت‌گیری نمائید و باهم در آن جهت، به حرکت و پرواز درآئید تا شاید دام را از جا برکنید و آزاد شوید (همو، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۲).

علاوه بر این وی به دنبال ایجاد ارتباطات بین مذاهب اسلامی بود و باور داشت که باید از ظرفیت‌های مشترک استفاده کرد. از نگاه او، باید تلاش کرد تا زمینه‌های گفتگو و تبادل نظر میان مذاهب مختلف اسلامی فراهم شود. ترجمه کتاب عبدالفتاح عبدالمقصود، مورخ و محقق اهل سنت درباره امام علی علیه السلام به زبان فارسی یکی از اقدامات عملی وی در این راستا به‌شمار می‌آید.

۲-۴-۲. اهتمام به مسئله تربیت اسلامی

آیت‌الله طالقانی به اهمیت آموزش و پرورش تأکید داشت. ایشان در کسوت یک روحانی عالم و صاحب صلاحیت، پروژه‌ای را دنبال می‌کرد که در آن مسئله «تعلیم و تربیت»، به‌عنوان یک رسالت ارزنده و مؤثر مطرح است. او از متون مذهبی، به استخراج منابعی توجه داشت که مسیر انسان را برای نیل به کمال تسهیل می‌کند. او به‌راستی به فهم عمیقی از آموزش و تربیت دست یافته بود. توجه به عبارت زیر، این مسئله را وضوح می‌بخشد:

«وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» که انسان، با شخصیت متحرک و متطوری که دارد، پس از پیمودن راه غرایز و فطریات اولیه، به دامنه آن می‌رسد (مسئولیت). در این دامنه است که شعور به تکلیف و اختیار عقیده و عمل پیش می‌آید و انسان با تشخیص و آزادی، باید یکی از دو نجد (راه) را پیش گیرد (همان، ج ۶، ص ۹۷).

برنامه‌های قرآنی و کلاس‌های تفسیر آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت، گام مؤثری برای تربیت نسل جوان انقلابی و متعهد در دهه‌های چهل و پنجاه بود. اگر دستورات و مقررات قرآن به‌خوبی اجرا شود، هر خانه و شهر و مملکتی کامل‌ترین محیط تربیتی خواهد شد. این مطالب را هر انسان منصفی که با اصول و اساس تعلیمات قرآن آشنا باشد، بدون تردید تصدیق می‌کند. ما یک آیه از قرآن را ترجمه می‌کنیم و قدری در اطراف آن بحث می‌کنیم تا معلوم شود، هدف قرآن چیست:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ همه خوبی آن نیست که رو به طرف مشرق یا مغرب آرید، ولكن همه خوبی و نیکی در کسی است که به خداوند و روز واپسین و ملائکه و کتاب‌های آسمانی و پیمبران، ایمان آورده و با محبتی که به مال دارد، آن را به خویشاوندان و یتیم‌ها و درماندگان و واماندگان بین راه و سائل‌ها [بیخشد] و درباره آزادکردن گردن‌ها از طوق عبودیت، مصرف نماید و نماز را به‌پا داشته و زکات را داده و به عهدهایی که بسته وفا نماید و در وقت هجوم و آشکارشدن قیافه موحش مصائب و ابتلائات و گرم‌شدن تنور جنگ بردبارند.

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

این آیه، نمونه جامع و کامل تربیتی را نشان داده که عقل به مرتبه ایمان رسیده و ایمان، منشأ انفاق و اقامه صلاة و دادن زکات شده و در میان ایمان و این اعمال نحوی وفای به عهد و صبر در مصائب، تکوین یافته تا انسانی موزون و راست و متقی پدید آورده است. تربیت به هر معنا و به هر صورت جز این باشد، ناقص، یک‌جانبه و ناهماهنگ می‌باشد. احکام و شرایع آسمانی، مقدمه یا وسیله برای پرورش چنین انسانیت (همان، ج ۲، ص ۵۳).

۲-۴-۳. ضرورت فعالیت تشکیلاتی

آیت‌الله طالقانی برای رسیدن به اهداف، به فعالیت تشکیلاتی اعتقاد داشت و در طول دوران زندگی خود نیز با مشارکت در تأسیس اجتماعات حزبی و تشکیلاتی، این مسیر را تقویت کرد که فعالیت در نهضت مقاومت ملی و سپس عضویت در شورای مرکزی جبهه ملی ایران، از فعالیت‌های بارز ایشان در دهه ۳۰ بود. وی یکی از بنیان‌گذاران نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ بود. این نهضت به دنبال تحقق آزادی و استقلال برای ایران بود. آیت‌الله طالقانی بر این باور بود که باید از اصول اسلامی برای رسیدن به این اهداف استفاده کرد. او تلاش کرد تا اصول اسلامی را با مفاهیم دموکراسی و آزادی‌های سیاسی ترکیب کند. وی در جلسات و ملاقات‌های خود با دیگر اعضای نهضت، به‌ویژه بر اهمیت آگاهی و بیداری مردم تأکید می‌کرد و بر این باور بود که برای رسیدن به آزادی واقعی، مردم باید از نظر فکری و سیاسی توانمند شوند و در این راستا، نهضت آزادی وظیفه دارد تا به دنبال ایجاد بسترهای مناسب برای آگاهی‌بخشی باشد. در جریان مبارزات انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی ره نیز آیت‌الله طالقانی نقش بسیار مؤثری در آگاهی‌بخشی نسل جوان ایفا کردند. او با تأکید بر ضرورت تغییرات بنیادین در جامعه، به‌عنوان یک نیروی محرکه در پیشبرد انقلاب اسلامی عمل کرد و همواره بر اهمیت آگاهی و مشارکت مردم تأکید داشت. با مراجعه به کتاب آیت‌الله طالقانی به روایت اسناد ساواک که در سه جلد، شرح جامعی از مجموعه فعالیت‌های مبارزاتی این شخصیت بزرگ اسلامی در دوران معاصر را تشریح کرده است، می‌توان به خوبی به نقش این مجاهد نستوه واقف شد (مرکز بررسی اسناد، تاریخ ۱۳۸۱-۱۳۸۲).

در جمع‌بندی دیدگاه آیت‌الله طالقانی در گام چهارم، همان‌گونه که اشاره شد سه مسئله

اساسی، مثلث راهکار رهایی از وضع موجود را ترسیم می‌کند: وحدت امت اسلامی، تربیت برآمده از آموزه‌های دینی و درنهایت فعالیت تشکیلاتی، چیدمان منطقی ایشان و نقشه حرکت برای تحول در جامعه اسلامی است. وحدت مهم‌ترین نقش را در رفع مانع اصلی مبارزه با استبداد ایجاد می‌کند و تربیت اسلامی و آموزه‌های دینی، حکومت مطلوب سیاسی قرآنی را معرفی کرده و هدف و چشم‌انداز حرکت جامعه و ملاک ارزیابی حاکمان را فراراه امت اسلامی می‌گذارد و فعالیت‌های تشکیلاتی انسجام و عزم و اراده لازم را به‌صورت متمرکز برای رسیدن به هدف در جامعه اسلامی فراهم و جریان‌سازی لازم را برای تحقق حکمرانی اسلامی به‌وجود می‌آورد.

نتیجه

در این پژوهش، یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم اندیشه سیاسی اسلامی - یعنی مفهوم حکمرانی از دیدگاه آیت‌الله طالقانی - مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا چهار گام اندیشه‌ورزی با طرح معرفی بحران و سپس آسیب‌شناسی و علل بحران و در گام سوم طرح نظریه و آرمان مطلوب و سرانجام راه‌حل و مسیر عبور از وضع موجود به وضع مطلوب با استناد به آثار آیت‌الله طالقانی مطرح شد. ایشان در تجزیه و تحلیل وضعیت مسلمانان، با تأکید بر شرایط جامعه ایران، به مؤلفه‌هایی مانند حکومت استبدادی یا طاغوتی، تقدیرگرایی و جبرگرایی تاریخی، چندپارگی فرهنگی در ایران، فقدان قسط و عدل در روابط اقتصادی و گسترش اندیشه مارکسیسم و لیبرالیسم اشاره کرده است و درباره علل بحران و آسیب‌شناسی به سه‌گانه جهل ملت به وظایف و حقوق عمومی مردمی، استبداد دینی و اختلافات دینی و سیاسی و طبقاتی در جامعه اشاره کرده‌اند. در بحث بازسازی نظری برای جامعه مطلوب و آرمانی اسلامی آیت‌الله طالقانی، شناخت و کاربرد قوانین و سنت‌های الهی در جامعه، تبیین جامعه سیاسی توحیدی، تصویر جامعه سیاسی مطلوب و غیرمطلوب قرآنی، حکومت اسلامی شورایی، مسئله توحید و اهمیت آن، شکل‌دادن به جامعه و امت اسلامی، طرح مفهوم اسلام سیاسی و جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی، اضلاع مختلف برای ترسیم جامعه مطلوب است.

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

در کنار این موضوعات می‌توان اذعان کرد که پافشاری وی بر شوراگرایی به‌عنوان ابزار دموکراسی، وی را به‌عنوان یک چهره طرفدار نظریه شورا در میان مبارزین و فعالان دوره انقلاب اسلامی مشهور کرد، تاجایی که در بحث حکمرانی، پایه‌ای‌ترین مفهوم، مسئله شورا است که در طراحی آیت‌الله طالقانی بر آن تأکید شده است. در گام نهایی که بحث ارائه طریق و بیان راه‌حل مشکلات است، ایجاد جامعه توحیدی، تأکید بر وحدت مسلمانان، تأکید بر آموزش و پرورش و مسئله تربیت و اقدام تشکیلاتی، رئوس پیشنهادی آیت‌الله طالقانی برای درمان دردهای جامعه اسلامی است که ایشان در طول دوران حیات سیاسی خود، برای تحقق آن بسیار کوشیدند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

* قرآن کریم

۱. اسپریگنز، توماس (۱۳۹۵). فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: نشر آگاه.
۲. پریور، معصومه (۱۳۸۹). «اندیشه سیاسی آیت‌الله طالقانی». تاریخ معاصر ایران. ۱۴ (۵۶). ص ۴۵-۵۶.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۴۰۰). «طالقانی و زمانه ما». مجموعه مقالات همایش. تهران: انتشارات پرکاس.
۴. خان‌محمدی، یوسف (۱۳۹۳). تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر. قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ دوم.
۵. خان‌محمدی، یوسف و سیدنادر جعفری (۱۳۹۷). «جایگاه شورا در حکومت اسلامی از دیدگاه محمد رشیدرضا و سیدمحمد طالقانی». سیاست متعالیه. ۶ (۲۲). ص ۲۳-۴۲.
۶. سیدباقری، سیدکاظم و محمد نظری (۱۴۰۱). «کارویژه‌های اخلاق در حکمرانی سیاسی اسلامی». آئین حکمرانی. ۱ (۱). ص ۷۹-۹۹.
۷. طالقانی، سیدمحمد (۱۳۳۹). توحید نخستین دعوت انبیا. مقدمه کتاب محوالموهوم و صحوالمعلوم. تهران: انتشارات کیهان.
۸. طالقانی، سیدمحمد (۱۳۴۴). اسلام و مالکیت. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. طالقانی، سیدمحمد (۱۳۵۸). توحید از نظر اسلام. تهران: پیام آزادی.
۱۰. طالقانی، سیدمحمد (۱۳۵۹). از آزادی تا شهادت. چاپ دوم. تهران: انتشارات ابوزر.
۱۱. طالقانی، سیدمحمد (۱۳۶۰). تبیین رسالت برای قیام به قسط. تهران: بنیاد فرهنگی آیت‌الله طالقانی با همکاری شرکت سهامی انتشار.
۱۲. طالقانی، سیدمحمد (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن. گردآورنده: سیدمهدی جعفری. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. طالقانی، سیدمحمد (۱۳۷۸). مناره‌ای در کویر. تهران: انتشارات قلم.

تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله طالقانی بر اساس نظریه اسپریگنز

۱۴. غنی، مهدی (۱۳۵۹). «راهی که نرفته‌ایم». مجموعه مقالات برگزیده از بیست سال نشریه پیام هاجر درباره آیت‌الله طالقانی. تهران: مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی. انتشارات قم.
۱۵. مرکز بررسی اسناد تاریخ (۱۳۸۱-۱۳۸۲). آیت‌الله طالقانی به روایت اسناد ساواک. ۳ جلدی. (جلد اول: بازوی توانای اسلام، ۱۳۸۱ / جلد دوم: ابوذر زمان، ۱۳۸۲، جلد سوم: مالک اشتر دوران، ۱۳۸۲). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
۱۶. میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳). حکمرانی خوب: بنیاد توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
۱۷. نائینی، محمدحسین (۱۳۵۸). تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملة. به کوشش سید محمود طالقانی. تهران: شرکت سهامی انتشار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی